

گذرشان به زندان افتاده است و باید این فرصت به افراد داده شود تا برگردند. وقتی فردی به آغوش خانواده برمی‌گردد و فرصت می‌کند که دوباره زندگی‌اش را بسازد، برکات دارد. در برخی نوشته‌ها دیدیم که به این اقدام جهادی قوه قضائیه بی‌مهری شده بود.

تولیدات رسانه‌ای که مرکز رسانه قوه قضائیه تولید کرده، دیدنی است. شبانه‌روزی کار شد که در کمترین زمان ممکن این حجم از زندانیان بتوانند از فضای زندان خارج شوند. منظور این نیست که به قاتل و جنایتکار مرخصی داده می‌شود؛ سوابق و شرایط و چارچوب و کمیسیون‌های بررسی دارد؛ ولی نفس اقدام پسندیده است و کاملاً در راستای سیاست حبس‌زدایی و مدیریت وضعیت اضطراری کرونایی است.

**آیین دادرسی ویژه در حوزه
مواعد، ساختار دادگاه‌ها، اختصار
در شرایط عادی یک معنا و در
شرایط اضطراری معنای دیگری
دارد؛ نحوه رسیدگی به این هم
باید با موارد ۲۰ روزه و تجدیدنظر و
دادرسی و واخواهی و... متفاوت
باشد؛ وگرنه نوشدارو بعد از مرگ
سهراب می‌شود! قوه قضائیه
با این چالش‌ها مواجه شده و
چالش‌های زیادی ناشی از وضعیت
کرونا پیش روی قوه قضائیه است.**

شیوع کرونا، شرایط ویژه‌ای ایجاد کرده که شاید هیچ‌کدام از ما تجربه چنین روزهایی را نداشته‌ایم. واقعیت این است که هر کدام از قوای سه‌گانه در کشور باید با ابتکاراتی از مدیریت این دوران استفاده کنند و ما در میانه راه داریم قضاوت می‌کنیم. انتهای این مسیر همگان قوای مختلف و عملکردشان را قضاوت خواهند کرد که تا چه حدی از صلاحیت خود به نفع مردم و برای مردم و بهبود اوضاع استفاده کرده‌اند؛ این اصلاً دور از ذهن نیست و ان شاء الله مجامع حقوقی، مجامع علمی و حتی عموم مردم این قضاوت را خواهند داشت. بر این اساس نهادها و قوای مختلف باید این مدیریت را در جهت بهبود اوضاع پیش بگیرند تا در آن قضاوت نهایی سربلند باشند.

این سیاست ارتباط دارد؟ آیا قوه قضائیه می‌توانست کار دیگری بکند تا جلوی فاجعه بشری را بگیرد؟ درست است زندانی هستند یا از حقوقی برخوردارند آیا راه دیگری وجود داشت یا نظام حقوقی ما در این خصوص پیش‌بینی کرده بود؟

نیکونهاد: تدبیری که قوه قضائیه در این مورد انجام داد (واقعاً این کار را تدبیر می‌دانم)، در چارچوب قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های موجود بود. در مناسبت‌های ملی و مذهبی می‌شنوید و در اصل ۱۱۰ قانون اساسی هم هست که پیشنهادهایی از طرف رئیس قوه به رهبری ارسال می‌شود و ایشان هم موافقت می‌کنند. این‌ها مبتنی بر مطالعات پیشینی است و ضوابطی دارد، به یکسری افراد و جرائم و مجازات‌ها مرخصی داده نمی‌شود؛ این‌ها همه از قبل نوشته شده است.

رئیس قوه در چارچوب همان قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های موجود که در مناسبت‌های مختلف عمل می‌کرد، اینجا هم از همان استفاده نموده است. اگر بخواهیم کمی وسیع‌تر ببینیم، می‌شود این‌ها را در چارچوب سیاست حبس‌زدایی تحلیل کرد. البته این سیاست فقط به قوه قضائیه برمی‌گردد؛ اتفاقاً قوه قضائیه در انتهای این مسیر قرار دارد. در ابتدای مسیر باید به حوزه قانون‌گذاری و قوانین برگردیم. باید نگاه قانون‌گذار ما به حبس تغییر کند که برای امری سریع مجازات حبس به ذهنمان نیاید. در مقام عمل دستگاه‌های اجرایی و قوه مجریه به نحوی باید ترتیبات اجرایی را ببینند که از یکسری جرائم پرهیز و برایشان ممانعت ایجاد کند، البته در قوه قضائیه هم باید نوع نگاه قضات تغییر کرده، حبس جزء گزینه‌های آخر باشد.

لطفاً مباحث را جمع‌بندی بفرمایید.

طحان‌نظیف: کاهش جمعیت کیفری زندانیان یکی از مطالبات رهبری از قوه قضائیه در دوره تحول بوده است. این کاهش جمعیت می‌تواند راهکارهای متفاوتی داشته باشد؛ استفاده از ابزارهای سیاست کیفری که در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده، از جمله عفو، آزادی‌های مشروط، نظام‌های نیمه‌آزادی یا همین مرخصی‌هایی که شما اشاره کردید. در همین راستا است.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، کاهش جمعیت کشور برای دوران کرونا نیست، فرصتی برای باز اجتماعی شدن افرادی است که بر اثر اشتباهی خطایی

عمومی یکی از این مصادیق است و به نظر می‌رسد یکی از بزنگاه‌های قوه قضائیه به معنای کل نه تک است که بخواهد تکانی به نظام حقوقی بدهد و نقش و جایگاه خود را در نظام حقوق اساسی پیدا کند. این وظیفه احیایی حقوق عامه است و دادستان‌ها اختیاراتی در قوانین دارند و می‌توانند اقدامات پیشگیرانه و تأمینی مناسبی انجام دهند. اگر قوه قضائیه از این فرصت یا ظرفیت استفاده کند، شاهد تحول در نظام حقوقی کشور خواهیم بود.

نکته دیگری که شاید به نوعی چالش قوه قضائیه باشد، نشان داد که نظام حقوقی کشور، بسیار تشنه قانون جامع وضعیت اضطراری است و برای همین باید برای رسیدگی به تخلفات و جرائم دوران اعلام وضعیت اضطراری آیین دادرسی ویژه‌ای داشته باشیم. در وضعیت اضطراری هیچ چیزی طبیعی نیست و نمی‌شود با آیین دادرسی مألوف و معهود که برای این دوران نوشته نشده، کار کرد؛ پس در وضعیت اضطراری هم حاکمیت قانون است؛ منتها حاکمیت قانون متفاوت و ما باید بدانیم که خیلی از کشورهای دنیا نوشته‌اند و دارند تجربه می‌کنند و ما هم باید ضمن استفاده از تجربیات بشری، مبتنی بر حقوق اساسی جمهوری اسلامی بومی‌سازی کنیم.

آیین دادرسی ویژه در حوزه مواعد، ساختار دادگاه‌ها، اختصار در شرایط عادی یک معنا و در شرایط اضطراری معنای دیگری دارد؛ نحوه رسیدگی به این هم باید با موارد ۲۰ روزه و تجدیدنظر و دادرسی و واخواهی و... متفاوت باشد؛ وگرنه نوشدارو بعد از مرگ سهراب می‌شود! قوه قضائیه با این چالش‌ها مواجه شده و چالش‌های زیادی ناشی از وضعیت کرونا پیش روی آن است. البته تا حدی اجتناب‌ناپذیر است، منتها این درس را باید بگیریم که نظام حقوقی ویژه وضعیت اضطراری طراحی کنیم. الان با ابزارهای موجود حتماً نمی‌توانیم واکنش کارآمد قضایی داشته باشیم.

می‌توان گفت به سیاستی در کشور که از سال ۸۱ با عنوان «سیاست حبس‌زدایی در رویکرد تقنینی» مطرح شد، توجه جدی نشده، حتی اینکه نزدیک به دو دهه است این سیاست به صورت رسمی در کشور اعلام گشته، ولی هنوز در قوانین منعکس نشده است. این پرسش‌ها مطرح است: عملکرد قوه قضائیه و این واگذاری مرخصی‌ها و عفو که صورت گرفت چقدر با سیاست حبس‌زدایی و بی‌توجهی به